

نقش علماء در پیدایش ادب جهادی (جنگهای ایران و روس، دوره قاجار)

(مقاله برگرفته از طرح پژوهشی "ادبیات جهاد مقاومت در جنگهای ایران و روس")

اثر: دکتر عبدالرضا سیف

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

(از ص ۷۳ تا ۸۸)

چکیده:

در خلال دو جنگ ایران و روس که منجر به جدایی قسمت بزرگی از خاک شمال ایران گردید، حضور علما در تشویق مردم به دفاع از وطن خویش باعث شد که اشتهای دولت تزار روس در دستیابی به آبهای گرم جنوب کشور (خلیج فارس) کور گشته و دست از طمع خام خود بردارد. حضور مستقیم علمای دین چه با صدور فتاوی، چه با حضور در جنگ عامل مهمی در پدید آمدن نوعی از ادبیات شد که بهترین عنوان برای آن، ادب جهادی است.

واژه‌های کلیدی: ادب جهادی، علما، فتوا، جنگ، ایران، روس.

مقدمه:

سال ۱۲۱۸ (ه.ق.) مقارن با آغاز جنگهای ایران و روس است. تاریخ کشور ما از این سال تا سال ۱۲۴۳، دو جنگ و دو صلح را به همراه دارد. تا سال ۱۲۴۳ سال انعقاد قرار داد ترکمنچای - وضعیتی بر ایران حکمفرما می شود که با حداقل ژرفنگری می توان نمودی از اصل ایرانیت (هویت ملی ایرانی) را در آن پیدا کرد: تحرک و تکاپویی که در شئون مختلف جامعه از جمله ادبیات، رابطه دین و دولت و جایگاه نخبگان جامعه بوجود آمد، از مواردی است که می تواند برای هر ایرانی بسان آینه ای باشد که در آن علاوه بر اینکه به تواناییهای خود پی می برد، جایگاه خادم و خائن را از خویش باز می شناسد و در عین حال، حتی در دل شکستهای نافرجام، پیروزی و سربلندی را نظاره می کند.

شاید اگر بی مقدمه بگوییم که برافروخته شدن جنگ بین ایران و روسیه و نهایت آن الحاق گرجستان به کشور روسیه به خاطر عقده های نهفته در سرکوب مردم تفلیس و گرجستان توسط آغامحمدخان بود سخنی به گزاف نباشد، چرا که دو دلیل عمده ای که باعث این قضیه شد، یکی گرایش حکام محلی تفلیس و (گرجستان) که جو افکار عمومی را به خاطر جلادت و خشونت آغا محمد خان در فتح تفلیس در یادداشت، و دلیل دوم آن که به خاطر توسعه طلبی روسها که نهایتاً گرجستان را به روسیه ملحق کرد. بعد از این قضیه حرص توسعه طلبی روسها به سرزمین گرجستان محدود نشد بلکه با فرماندهی سیسیانف نگاه روسها متوجه دیگر سرزمینهای شمال ایران شد.

جنگ اول ایران و روس

در حال و هوای عیش و نوش فتحعلی شاه بود که جنگهای ده ساله ایران و روسیه (۱۲۲۸-۱۲۱۸) با هجوم روسیه به قفقاز شروع شد. در این جنگها عباس

میرزا ولیعهد جوان شجاعت و جلالت بسیاری نشان داد، اما از عهده هجوم دشمن برنیامد و کار به معاهده‌ای بدفرجام انجامید. عهدنامه گلستان گیورکی (گرگین) پادشاه جدید گرجستان که بجای پدرش اراکلی به تخت نشسته بود علیرغم اظهار انقیاد و اطاعت که به ایران کرده بود و دست نشانده دولت ایران بود، بعد از لشکرکشی و کشته شدن آقا محمدخان، خود را به پناه دولت روس کشید و تزار روسیه گرجستان را به قلمرو خویش ملحق کرد. الکساندر برادر گرگین که مدعی او بود به ایران پناه آورد و از شاه درخواست کمک برای استرداد آنجا کرد. البته تزار روسیه هم، گرگین خائن را از حکومت گرجستان معزول کرده، بجای او سیسیانوف ژنرال روسی را که در سپاه تزار عنوان بازرس (اشپختر) داشت در تفلیس حکمران نمود.

سیسیانوف برای آنکه گرجستان را از تعرض مجدد احتمالی ایران مصون دارد به گنجه حمله برد و به کمک آرامنه ناراضی آن شهر گنجه را فتح و بلافاصله قتل عام کرد و سپس ایروان و قراباغ را هم به تسخیر درآورد. (۱۲۱۸).

در این میان خیانت رجال قاجاری چون محمدخان قاجار حاکم ایروان که خود وی قلعه را به روسیه تسلیم کرده بود قابل ملاحظه می‌باشد. سیسیانف علیرغم مقاومت عباس میرزا و سپاهیان او بر اثر خیانت‌های حکام محلی توانسته بود از باکو بگذرد و به گیلان برسد سرانجام پس از رسیدن سپاه کمکی از تهران برای عباس میرزا به عقب رانده و بالاخره در پای قلعه باکو غافلگیر و به قتل رسید. (۱۲۲۰)

سپاه روسیه منهزم شده و تمام نواحی اران به دست ایران افتاد.

تزار روسیه به جای سیسیانوف مقتول، فرمانده‌ای جدید به نام گودویچ منصوب کرد. گودویچ برای اغفال ایران، نخست درخواست صلح کرد و با آنکه بعد از پیمان شکنی در ایران شکست سختی از سپاه ایران خورد و تعدادی از سپاهیان‌ش به اسارت ایران درآمد (۱۲۲۵) ولی کشمکش با ایران را ادامه داد و در محلی به نام

اصلاندوز، نزدیک ارس سپاه ایران را غافلگیر کرد و شکست سختی به ایران وارد آورد (۱۲۲۸).

عباس میرزا به تبریز عقب نشینی کرد. شاه هم در همان ایام گرفتار طغیان ترکمانان و اغتشاش در خراسان بود نتوانست سپاهی روانه جنگ کند. روسیه هم که درگیری با ناپلئون بود خود را برای یک صلح فوری ناچار می دید. البته بی خبری رجال ایران از اوضاع عالم و تا حدی دسیسه انگلیسی ها برای استعمار هند و کاستن قدرت و نفوذ ایران در آنجا، باعث شد مذاکره صلح به ضرر ایران تمام شود. در قریه گلستان از توابع قراباغ عهدنامه گلستان امضاء شد به موجب آن تمام ماوراء ارس در دست روسها باقی ماند و حق کشتیرانی ایران هم در خزر سلب شد.

جنگ دوم ایران و روس

انعقاد این قرارداد که سرنوشت مسلمین قفقاز را به یک دولت مسیحی ضد اسلام می داد از جانب علماء به شدت مورد انتقاد قرار گرفت. از جانب علما فکر اعلام جهاد مطرح شد. فتحعلی شاه هم علیرغم مخالفت بعضی از رجال به الزام طرفداران جنگ برای مقابله با روسیه حرکت کرد، عده ای از غازیان متشرعه و از عشایر اطراف و چریکهای حکام سرحدی هم به موکب او پیوستند، در حدود زنجان هیئتی از امناء مذهب هم که ملا احمد نراقی و سید محمد طباطبایی معروف به سید مجاهد در میان آنها بودند، با شاه ملاقات کردند و ضرورت استرداد سرزمین اسلام را از سلطه کفار خواستار شدند. سید مجاهد و عده ای از علماء هم با او همراه شدند و بدینگونه عهدنامه گلستان از جانب ایران نقض شد و جنگ با روسیه این بار با شور و هیجان مذهبی تجدید شد. صدور فتاوی علما و نیز اشعار شعرا و نامه های نویسندگان از نمونه های شکل گیری ادب جهادی در این زمان است که در جای خود به آنها پرداخته می شود.

جنگ دوم که حدود دو سال و نیم طول کشید (شعبان ۱۲۴۳، ذی الحجه ۱۲۴۱) باز به فرماندهی عباس میرزا بود. با این حمله برق آسا و حمایت و شورش مردم شهرهای باکو، شروان، داغستان، ایروان، تفلیس و گنجه به دست ایران افتاد (محرم ۱۲۴۲).

رقابت شاهزادگان اردوی عباس میرزا و اختلاف سرداران سرعت و تحرکی را که تا این هنگام موجب پیشرفت قوای ایران بود دچار اختلال و رکود ساخت. در گیر و دار یک بی‌نظمی که ناشی از سوء تفاهم یا سوء فهم فرماندهان زبردست نایب السلطنه بود، قسمتی از سپاه ایران دست از جنگ کشید، قسمتی دیگر عقب نشینی کرد و با عجله و بی‌نظمی به سوی ارس باز پس نشست. عباس میرزا هر قدر کوشید از این بی‌نظمی رسوایی آور جلوگیری کند نتوانست. لاجرم با نومییدی و ناچار خود او نیز به سوی ارس حرکت کرد و خود را به حدود اصلاندوز رساند (ربیع الاول ۱۲۴۲).

پاسکویچ فرمانده سپاه روس گرچه عقب نشینی عباس میرزا کارش را سهل کرده بود اما بلافاصله به پیروزی نرسید. هم در ارس با مقاومت سپاه عباس میرزا روبرو شد و هم در ایروان مقاومت رشیدانه حکام و مردم مانع پیشرفت او شد. با اینحال جنگ را ادامه داد و در نواحی ارس و حوالی ایروان مقاومت سپاه ایران درهم شکست و آصف الدوله هم که دفاع از تبریز را به عهده داشت بدون مقاومت به اسارت روسها در آمد. عباس میرزا هم بعد از نرسیدن نیروی کمکی درخواست صلح کرد. که ایران علاوه بر شهرهایی که در عهدنامه گلستان از دست داده بود. شهرهای ایروان و نخجوان و اردوباد و بهمراه پرداخت مبلغ هنگفتی طلا را در عهدنامه جدید با روسیه یعنی ترکمان چای (شعبان ۱۲۴۳) از دست داد.

البته در یک ماده عهدنامه هم روسیه شناخت ولیعهدی عباس میرزا و ادامه

سلطنت او را به عهده گرفت. (روزگاران دیگر، ص ۱۵۷-۱۵۲)

ادبیات جهاد و مقاومت در جنگهای ایران و روس

در این فصل، یکی از ویژگی‌های دوره‌ی مورد بحث معرفی می‌شود، خصیصه‌ی بی‌حال و هوای خاص خود را دارد و اگر بخواهیم برای این حال و هوا دلیلی و استنادی ذکر کنیم، بهترین شاهد آن (ادبیات جهاد و مقاومت ملی) آن دوره است. البته این استناد شاید با حال و هوای دوره‌ی بعد از شکست ایران در جنگ اول و معاهدات تحمیلی - خصوصاً (گلستان) متناسب‌تر باشد، زمانی که رسائل جهادیه با شکلهای خاص خود در سراسر کشور انتشار یافتند و فضای کشور را به شکلی درآوردند که مردم با پشتوانه‌ی دینی‌شان در مقام حفظ مرزهای کشور اسلامی شیعه برآمدند. متأسفانه علی‌رغم اینکه مسئولیت اجرای جهاد را اکثر علما و مجتهدین، با ذکر نام، برگردن فتحعلی شاه می‌گذارند، هیچ‌گاه شاهد حضور مداوم و منظم فتحعلی شاه در جنگ نبودیم. فقط در مقطع کوتاهی از این دوره، یک هماهنگی کلی بین شاه و سطوح دیگر مملکت را می‌بینیم که شاید به دلیل وجود دشمن درجه‌ی یک سرزمین اسلامی و شیعه‌ی ایران بوده باشد اما دلیل آن چه می‌باشد از راس تا ذیل، همه خود را به اجرای اوامر شرع مکلف می‌دانند و توده‌های مردم در خط مقدم جبهه به رهبری علما با جهاد فی سبیل الله عامل به آن هم هستند و پاداش آن را در دنیا و آخرت بس والا می‌دانند، شاید ادبیات ذیل جواب روشن می‌باشد:

حضرتش را بهشت خوانم لیک نه بهشتی است که خواندم از قرآن

کز پی‌زندگی است جلوه‌ی این وز پس‌مردن است وعده‌ی آن

(قائم مقام، دیوان، ص ۲۰۷)

در نتیجه‌ی این هماهنگی، پیدایش نوعی ادبیات مقاومت و جهاد را در کشور اسلامی ایران شاهد هستیم که در کلیت طول تاریخ ما یکی از کم‌نظیرترین تجلیهای هویت ملی به حساب می‌آید و البته اثرات آن در دوره‌های بعد بیش‌تر نمایان

می شود.

با اعلام احکام جهاد توسط اکثریت علما و مراجع دینی، هم به دلیل عربی بودن زبان این احکام و هم به جهت فنی و تخصصی بودن آنها، یک حرکت عمومی هم برای همه فهم کردن آنها به عمل آمد.

پارسی گوی را گرچه تازی خوش تر است

عشق را خود صد زبان دیگر است

برخی از آیات صریحه و اخبار صحیحه و اسرار حکمت آمیز و نصایح رغبت انگیز که مایه ی غیرت غازیان و عبوت ناظران می شد نیز به مناسبت مقام و ملایمت سبک کلام، ضمیمه ی افادات فقها و اضافات علما (نثرالله فوائدهم و یسر عوائدهم) گردید. (فانم مقام، ص ۲۱۶)

در این دوره است که نیروهای نظامی را در آذربایجان (سرباز) و نیروهای کمکی آنها را که از نواحی مرکزی و کشور می آمدند، (جانباز) گذاشتند و این دو عبارت وارد ادبیات نظامی و ملی ما شد. ارتباط معانی و مفهومی این دو واژه را به راحتی می توان با روح فضای ایجاد شده در آن دوره پیدا کرد. در همین دوره، روحیه ی ملی - مذهبی مردم و سپاهیان آنچنان تقویت شد که دیگر از اصلاحات عسگر، غازی، قوای نظامی و یا (سالدات) که اصطلاحات روسی و بیگانه بود، استفاده نمی شد. (سپهر، ص ۹۸)

از نمونه کارهای فرهنگی می توان از کار آقا سید محمد مجاهد در کتاب مشکوه الجهاد و اسباب الرشاد و یا الذریعه ی مولی ابن الحسن ابن محمد کاظم یاد کرد. این قبیل کارهای عمومی و فرهنگی، چنان تاثیری بر جامعه نهاد که اگر در زمان جنگ مسامحه و یا عقب نشینی صورت می گرفت، مرتکب به شدت مواخذه و تحقیر می شد، چنان که در نکوهش و برخورد با اللهیار آصف الدوله، میرزا ابوالقاسم قائم مقام درباره وی و کسانی که در مقابل سپاه روس عقب نشینی کردند یا از صحنه

گریختند، چنین سروده است:

بگریز به هنگام که هنگام گریز است

رو در پی جان باش که جان سخت عزیز است

(قائم مقام، دیوان، ص ۹۸)

در این مورد همچنین می توان از کار تقلیدی اما مثبت شاعر دربار فتحعلی شاه، فتحعلی خان کاشانی معروف به صباء یاد کرد که به تبعیت از اشعار حماسی شاهنامه ی فردوسی، سروده است:

کنون باید آهنگ جنگ آورم به جنگ آوران کار تنگ آورم

زمین را ز گردان پولاد پوش چو دریا ز باد اندر آرد به جوش

(شاهنشاهنامه، ص ۲۱)

و یا از شعر معروف میرزا ابوالقاسم قائم مقام در شرایط سخت و ناکامی ها:
روزگار است آن که گه عزت دهد گه خوار دارد

چرخ بازیگر از این بازیچه ها بسیار دارد

مهر اگر آرد بسی ناساز و بی هنگام آرد

قهر اگر دارد بسی ناساز و بی هنجار دارد

(از صبا تا نیما، ص ۷۴)

و یا می توان به میرزا ابوالقاسم اشاره کرد که درباره میرزا بزرگ، قبل از مصالحه با روس و جدا شدن ایروان، سروده است:

آه از آن دم که رفت لابد ناچار رو به رو ایروان سواره قاجار

یار من از من جدا شد آن دم و گشتم یار به اندوه و رنج و غصه و تیمار

(منشآت، ص ۲۲)

پایان دوره ی جنگ، آغاز دوره یی دیگر است که اهمیت آن کمتر از جنگ نیست، و تاثیر ژرف این حادثه را بر روح ملت ایران می توان در دوره های بعد

جستجو کرد. ملت ایران در اولین خاکریز مبارزه ضعف خویش را به عینه می‌بیند و شکست خود را تنها ناشی از تسلیحات برتر نظامی، ارتش سازماندهی شده و تدابیر جنگی روسها نمی‌داند.

ملت ایران که پس از آن همه فداکاری و جانفشانی، پاسخی درخور نمی‌یابد، دیگر از شاه انتظار ندارد که با گریز از حضور پیاپی در میدان جنگ و با پشتیبانی نکردن‌های لازم، در واقع ملت را در این نبرد تنها و بی‌پشتوانه رها کند. در واقع شاید این حرکت اساس استقلال مردم از دربار است. (در مقایسه با شاهان و فرمانروایان اولیه‌ی سلسله‌ی صفویه و بعضی سلاطین دیگر که تقریباً از بطن توده‌های مردم قیام کرده بودند و ارتباط قوی برخی از آنها مانند شاه اسماعیل که مانند رابطه مرید و مرادی و مرشدی بوده است) و شاید بعدها همین مردم اگر حرکتی مستقل از حکومت رسمی و به‌پشتوانه‌ی دین و رهبران دینی انجام می‌دهند (به عنوان مثال، واقعه‌ی رژی، مشروطه و...) پاسخی به این عدم پشتیبانی‌ها باشد. در واقع این دوره، آغازی است که ملت ایران در خارج از مرزهایش، به بی‌اعتنایی قدرتهای برتر اروپائی به ایران و معاهداتی که با این کشور بسته‌اند، پی می‌برد و در داخل مرزهایش نیز به بی‌کفایتی سردمداران ایرانی بر توانایی‌های داخلی وقوف پیدا می‌کند.

به هر حال، گرچه ایران بخشهایی غنی و حاصلخیز را از کف داد ولی قطع پیوندها و اصالت‌های مردم این مناطق به آسانی فراچنگ نیامد، و تاریخ در ادوار بعدی خویش نشان داد که در بعد خارجی، حتی هفتاد سال حاکمیت الحاد و معنویت زدایی کمونیسم، هم نتوانست خدشه‌یی به دیرینگی و ثبات این اصالت‌ها وارد کند، همچنین در ابعاد داخلی نشان داد که در سخت‌ترین شرایط هم روحیه‌ی ادب جهادی و مقاومت که ناشی از توانایی‌های دین اسلام است، می‌تواند کمکی مطمئن برای مسلمانان و یار و یاور آنها باشد، کما اینکه در دوره‌های بعدی تاریخ هم شاهد آن بوده‌ایم که اشکال دیگر آنرا در قتل سفیر خیانت پیشه و مغرور روس

(گریبادوف) و یا تبلورهای زیباتر و کامل تر آن در فتاوی تحریم، نهضت مشروطه و یا انقلاب اسلامی به عینه می بینیم.

بازتاب قتل گریبادوف در ادب جهادی:

سفر روس آن گریبادوف اسم	بشد مقتول در ری از قضا یا
کسی را نیست تقصیری درین کار	که خود انداخت زنگ اندر مطایا
از او پرس شد به مظلومان تطاول	وزو بس شد به دین داران خطایا
شب و روز از جفایش مردمان را	برفتی برفلک دارد خدایا
پی تاریخ قتلش خاوری گفت	سفر روس مقتول از بلایا

(تاریخ ذوالقرنین، ص ۲۴)

ادب جهادی، علمای دین

۱- حاجی محمدرضا همدانی

اولین کتابی که نوشته شد رساله جهادیه همدانی بود. نگارش کتاب به درخواست میرزا بزرگ فراهانی شروع شد و در ۱۲۲۶/۱۸۱۱ به اتمام رسید. حاجی ملا محمدرضا همدانی درباره نگارش کتاب نقل می کند: از پاره ای می شنوم که می گویند حال جهاد واجب نیست و موقوف است به وجود پیغمبر (ص) یا امام (ع) یا نائب خاص... این سخن مبنی بر اشتباه و التباس و عدم خبرت به اخبار و فتاوی کبار از فقها و علمای اخیار است... الحال مقاتله با کفار جهاد است نه دفاع (رساله جهادیه، نسخه خطی، کتابخانه ملی).

این رساله به زبان فارسی ساده نوشته شده است. کتاب علاوه بر مقدمه در هشت فصل تنظیم شده و نویسنده آنرا به امیرزاده اعظم عباس میرزای غازی تقدیم کرده است.

۲- محمد بن علی طباطبایی مشهور به آقا سید محمد مجاهد

کتاب جهاد العباسی سید مجاهد به زبان عربی است و به درخواست عباس میرزا، نایب السلطنه، نوشته شده است. کتاب به شکل سوال و جواب است. سید مجاهد، رویارویی و عقب راندن روسها از سرزمینهای اشغالی را جهاد دانسته و آن را واجب می‌شمرد. نگارش کتاب در سال ۱۲۲۸ هـ می‌باشد کتاب مشکوةالجهاد فی ترجمه مصابیح الجهاد سید مجاهد مفصل‌ترین کتاب جهادیه است که در سال ۱۲۳۲ به زبان فارسی نگارش یافت.

تالیف کتابهای جهادیه پس از تحمیل قرارداد گلستان در سال ۱۲۲۸ اوج گرفت بیشتر رساله‌ها در طول ۱۳ سال (۱۲۲۸-۱۲۴۱) یعنی بین جنگ اول و دوم ایران و روس نوشته شد.

۳- شیخ هاشم

در سال ۱۲۳۰ هـ شیخ هاشم از علمای عرب، کتابی با عنوان العباسیه الحداد فی جهاد اهل الشرك و الالحاد نوشت و آنرا به عباس میرزا تقدیم کرد.

۴- میر محمد حسین بن عبدالباقی

در سال ۱۲۳۳، عبدالباقی امام جمعه موقت اصفهان، جهادیه‌ای را به خواست عباس میرزا نوشت عبدالباقی به ۲۴ سوال دولتمردان پیرامون جنگ با روسیه تجاوزگر پاسخ داد.

۵- مولی ابن الحسن ابن محمد کاظم

صاحب رساله ایست در جهاد که دارای ۱۶ فصل می‌باشد و در سال ۱۲۳۸ هـ به زبان فارسی نگارش یافته است. که با تکیه بر آیات و روایات به بررسی مفهوم جهاد

می پردازد.

۶- سید علی طباطبایی

رساله عربی نوشته است که برای بهره‌وری فقهی دولتمردان می‌باشد. در کتاب با سپردن امور جنگ به فتحعلی شاه، مردم را به اطاعت از عباس میرزا، نایب السلطنه ملزم می‌نماید که (بر جمیع ناس و کافه مردم و به کسانی که قادرند در خیل و رکاب نایب السلطنه حاضر گردند) (باید) با جناب ایشان اقدام به جهاد کفره بدنهاد نمایند تا شوکت اسلام شکسته نگردد).

۷- میرزا بزرگ قائم مقام

رساله‌های جهادیه به دلیل فنی بودن نثر آنها از جهت بیان احکام جهاد و هم به علت عربی بودن بعضی از آنها نمی‌توانستند مستقیماً در اختیار مردم قرار گیرند. از اینرو میرزا بزرگ، از سوی عباس میرزا دستور یافت، ماحصل تلاش علما برای نشان دادن ادب جهادی در برابر تجاوزگران را با تلخیص، تدوین و تنقیح نماید. بدین ترتیب، کتاب احکام الجهاد و اسباب الرشاد به دست میرزا بزرگ قائم مقام نوشته شد. این کتاب با جمع بندی فتاوی علمای آن عصر، از حجیم‌ترین آثار است که تحت عنوان جهادیه زبان فارسی نوشته شده است.

مبنای ترتیب این کتاب مستطاب، بر مقدمه و هشت باب و خاتمه است.

باب اول: در تکالیف جهادیه شاهنشاه اسلام.

باب دوم: در تکالیف شرعیه حافظان ثغور اسلام و والیان عظام.

باب سیم: در مهمات متعلقه علمای راشدین و فضلاء مجتهدین

باب چهارم: در مسائل جهادیه پیش نمازان و واعظان.

باب پنجم: در مهمات متعلقه صدور ملک و امینان دولت و مشیران حضرت و

زمره ارباب اعمال، از کتاب و عمّال.

باب ششم: در احکام جهادیه سالاران سپاه و سروران لشکر نصرت پناه اسلام و کافه جنود مسلمین.

باب هفتم: در بیان امور متعلقه به کافه مسلمین بلاد تصرفی اسلام.

باب هشتم: در بیان تکلیف ساکنین بلاد تصرفی کفار.

- علاوه بر این، رساله جهادیه نیز از میرزا بزرگ به زبان فارسی موجود است که از کتاب احکام الجهاد خلاصه تر است. سومین کتاب میرزا بزرگ، کتاب جهادیه است که این رساله از آن دو کتاب خلاصه تر می باشد. این کتاب از نوشته های دو عالم بزرگ وقت یعنی شیخ جعفر نجفی و آقا سید علی تدوین یافته است.

گمنام

رساله جهادیه ای موجود است در سه بخش که به زبان عربی نگاشته شده است. رساله هایی که به دست منشیان فتحعلی شاه نگاشته شده و مولفان آنها معلوم نیست که این آثار با جهادیه های علما، در تاریخ ادبیات ایران، اقدامی نوین و بی سابقه به شمار می آید. چرا که نیروهای متفکر جامعه برای رو به رو شدن با حادثترین حادثه سیاسی نظامی زمان خود به خلق آثاری دست زدند که پیشینه مشابهی تا آن زمان نداشت.

به نظر می رسد که از این رهگذر، برای اولین بار در تاریخ معاصر ایران گونه ای از ادبیات مقاومت نیز زاده شده باشد. (ادبیات در جنگ های ایران و روس، هدایت الله بهبودی، ص ۳۲)

درباره تاثیر این جهادیه ها در میان مردم، عبدالرزاق دنبلی چنین آورده است: فضلا و علمای آذربایجان در مساجد و منابر رفته، بنای وعظ نهادند و سلوک این طایفه (روس) را با مسلمانان به آواز بلند بر فراز منابر گفتند و... مستمعان را متأثر و

قلوب غافلان را منزجر ساختند. و سواى جماعت سرباز و نوکر موجب خوار، جمعى کثیر را غیرت اسلام دامنگیر گشته، داوطلب جهاد شدند و با اسلحه و اسباب حرب از جان گذشته منتظر محاربت و مجاهدت گشتند تا هر وقت که امر و اشارت رود به مجاهده پردازند و اکنون در همه بلاد آذربایجان با یراق و اسباب در همه جا قریب به صد هزار نفر مجاهد به هم رسیده است. (مآثر سلطانیه، ص ۱۴۶)

میرزا بزرگ مى نویسد: بدانید که مقتول ثغور آذربایجان در دفاع اهل کفر و طغیان برای حفظ بیضه اسلام و مسلمین و حراست ناموس مومنات و مومنین مانند شهدای کربلاست. (جهادیه، ص ۱۹-۱۸)

از اینرو در محرم ۱۲۴۲ برای تعزیه جناب سید الشهداء (ع) تکایا بسته علمای اعلام و مجتهدین بزرگ مثل جناب آخوند حاجی ملا احمد نراقی و جناب آخوند ملا محمد مامقانی بعد از ذکر مصیبت امام حسین (ع) لشکریان منصور را به جهاد ترغیب فرموده و شوری در میان لشکر انداختند و دسته دسته و فوج فوج لشکریان اسلام از مجلس و عظم برخاسته به خدمت نائب السلطنه آمده و اظهار شوق و تعهد یورش و بی باکی را از کشته شدن و کشتن مى کردند. (تاریخ نو، جهانگیر میرزا، ص ۲۹-۳۰)

بدین ترتیب بهره گیری از قیام کربلا و مظلومیت امام حسین (ع) و یارانش و مقایسه شهدای جنگ های ایران و روس با آن حادثه، توانست خیل عظیمی را برای مقابله و دفاع از ایران برانگیزد.

- کتابهای جهادی با نثر فارسی و عربی باعث حرکت و تشویق مردم برای مقابله مى گردید. البته روش میرزا بزرگ قائم مقام فراهانی در گردآوری و تدوین و ترجمه کتابهای جهادیه به نثر مسجع فارسی که با بهره گیری از صنایع ادبی همراه بود عامل بسیار مهمی در تحریض مردم به دفاع از سرزمینهای اشغال شده ایران بود.

نثر مسجع میرزا بزرگ در جهادیه ها، توانست ادب مقاومت را در میان مردم رواج دهد و شعر و نثری را که تا پیش از این در اختیار پادشاه و دربار بود به میان

مردم بکشد.

نتیجه:

شعرا و گویندگانی که درباره جنگ‌های ایران و روس سخنی گفته بودند بخاطر وابستگی آنان به دربار بود و می‌توان این دعوت به پایداری و مقاومت در برابر دشمنان ایران را نوعی ادب جهادی درباری نامید. اما آنچه علما در فتاوی خویش چه به زبان فارسی و چه به زبان عربی درباره دفاع از ایران در مقابل روس اعلام کرده بودند جدای از دربار محسوب می‌شد و می‌توان آنرا ادب جهادی نامید و این ادب جهادی ذاتاً با تحرک و بالندگی همراه بود. روح کلی این نوشته‌ها برخلاف ادب درباری، سخن از زبان مردم گفتن بود.

پس ادب جهادی اگرچه در دوره جنگ‌های دوم ایران و روس با فتاوی علما آغاز گردید بخوبی توانست در تحریک و تهییج عامه مردم در دفاع از سرزمین خود موثر باشد. نگارش کتابهای جهادیه بیانگر پویایی مذهب شیعه بود که در مقابل استعمار و استکبار به میدان آمد و ادبیات مقاومت و پایداری را پدید آورد.

منابع:

- ۱- آراین پور، یحیی: از صبا تا نیما، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۰.
- ۲- ابوالحسنی، علی: جهاد دفاعی و جنگ‌های صلیبی، دارالحسنین، ۱۳۵۹.
- ۳- الحسینی الشیرازی، فضل الله: تاریخ ذوالقرنین، نسخه خطی کتابخانه مجلس، شماره ۳۲۰۷.
- ۴- بهار، محمدتقی، سبک‌شناسی، جلد سوم، انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۶۹.
- ۵- بهبودی، هدایت الله، ادبیات در جنگ‌های ایران و روس، حوزه هنری، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- ۶- تجربه کار، بانو نصرت: سبک شعر در عصر قاجاریه، چاپ مسعود سعد سپهر، ۱۳۵۰.
- ۷- حائری، عبدالهادی، نخستین رویارویی اندیشه‌گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب،

امیرکبیر، ۱۳۶۷.

- ۸- حمیدی، مهدی: شعر در عصر قاجار، گنج کتاب، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۴.
- ۹- دهخدا، علی اکبر: لغت نامه، ۱۴ جلدی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- ۱۰- دوانی، علی: وحید بهبهانی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۲.
- ۱۱- زرین کوب، عبدالحسین: روزگاران دیگر، انتشارات سخن، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- ۱۲- صبا، فتحعلی خان: شاهنشاهنامه، چاپ سنگی، بمبئی، ۱۸۶۷ م.
- ۱۳- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، ۵ جلدی، انتشارات فردوس، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۶۷.
- ۱۴- عبادیان، محمود: درآمدی بر ادبیات معاصر ایران، گهر نشر، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- ۱۵- قائم مقام فراهانی، میرزا عیسی: احکام الجهاد و اسباب الرشاد، تصحیح و مقدمه تاریخی غلامحسین زرگری نژاد، انتشارات بقعه، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰.
- ۱۶- قائم مقام فراهانی، میرزا عیسی: جهادیه، انتشارات ایران زمین، تهران، ۱۳۵۴.
- ۱۷- قائم مقام فراهانی، میرزا ابوالقاسم: دیوان، ضمیمه سال دهم مجله ارمغان، ۱۳۰۷.
- ۱۸- قائم مقام فراهانی، میرزا ابوالقاسم: منشآت، به اهتمام جهانگیر قائم مقامی، کتابخانه ابن سینا، ۱۳۳۷.
- ۱۹- مروزی، میرزا صادق: تاریخ جهان آرا، نسخه خطی کتابخانه ملی، شماره ۱۵۰۰.
- ۲۰- معین، محمد: فرهنگ فارسی، ۶ جلدی، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۱.
- ۲۱- مفتون دنبلی، عبدالرزاق، مآثر السلطانیه، انتشارات ابن سینا، ۱۳۵۱.
- ۲۲- مفتون دنبلی، عبدالرزاق: حدائق، نسخه خطی کتابخانه ملی، شماره ۷۴۳.
- ۲۳- همدانی، حاجی ملا محمدرضا: رساله جهادیه، نسخه خطی کتابخانه ملی، شماره ۹۰۰.